

Impact of Early Marriage on Children's Sexual Health and Mechanisms of Deal with It

Mohammad Mahdi Meghdadi¹, Maryam Javadpour²

Abstract

The most important human concession than other beings is the ability to grow, talent and perfection in his/her existence; But this advantage requires that parents do their responsibilities properly against children and provide a suitable and adequate facilities for them. Hence, the appropriate age of marriage is very important in formation of family; therefore, couples must have been necessary conditions for marriage, such as: physical and mental growth, and social readiness. Unfortunately, sometimes early marriage happens for different reasons, which often involves abuse, violence against children and serious conflicts with their rights. Because, it is often forcible and usually without the consent of the parties and no doubt the child in this process is not able to understand the options, more opportunities and benefit of better rights and conditions.

In the present study, a descriptive - analysis - comparative method was applied by relying on Imamiya jurisprudence and human rights international system to the causes and effects of early marriage on children's sexual health and its prevention strategies. The results showed that the causes as: poverty, social and cultural factors, family honor and dignity and etc. provide the field of early marriage, that despite the clear characteristics of childhood in marriage and lack of education and social necessary awareness could be lead to violation of the child rights and violence against he/she. On the other hand, it can affect children's sexual health and lead to physical and mental illness, an increase the pregnancies, preterm parturition and etc. Hence, the promotion of awareness and anticipation assignments and determining appropriate penalties, such a phenomenon limited and reduces the possibility of such consequences.

1. Associate Professor, Department of Law, Mofid University, Qom, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Foundations of Islamic Law, Islamic Azad University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding author) Email: javadpour89@yahoo.com

Keywords

Child; Early Marriage; Sexual Health; Sexual Exploitation; Imamiya Jurisprudence; Human Rights

Please cite this article as: Meghdadi MM, Javadpour M. Impact of Early Marriage on Children's Sexual Health and Mechanisms of Deal with It. Iran J Med Law 2017; 11(40): 31-60.

تأثیر ازدواج زودهنگام بر سلامت جنسی کودکان و سازوکارهای مقابله با آن

محمد مهدی مقدادی^۱

مریم جوادپور^۲

چکیده

مهم‌ترین امتیاز انسان نسبت به سایر موجودات، استعداد رشد و کمال اوست، لیکن این مزیت نیازمند آن است که والدین در ایفای مسؤولیت خویش در قبال فرزندان و در تمامی مراحل رشد آنان به درستی عمل کنند و شرایط مساعد و امکانات کافی برای آنان فراهم آورند. در این میان سن مناسب برای ازدواج بسیار مهم و تأثیرگذار است، چه این که برای زندگی زناشویی، صلاحیت و آمادگی جسمی، روانی و اجتماعی لازم است. متأسفانه به بهانه‌ها و توجیهات مختلف، ازدواج‌های زودهنگامی رخ می‌دهد که اغلب دربردارنده آزار، بهره‌کشی و خشونت علیه کودکان و تعارض‌های جدی با حقوق آنان است، به‌ویژه این که چنین ازدواج‌هایی اغلب اجباری و بدون رضایت طرفین منعقد می‌شود و بی‌گمان طفل یا نوجوان درگیر در این فرآیند قادر به درک گزینه‌ها و فرصت‌های بیشتر و بهره‌مندی از حقوق و شرایط بهتر نیست.

پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی - تطبیقی و با تکیه بر مبانی و آموزه‌های غنی فقه امامیه و تأمل در نظام بین‌المللی حقوق بشر که در مقایسه با فقه بسیار محدود و نحیف است، به تحلیل علل ازدواج زودهنگام و آثار آن بر سلامت جنسی کودکان و نیز راه‌کارهای ممانعت از آن می‌پردازد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که مسائلی مانند فقر، عوامل فرهنگی و اجتماعی، حفظ آبرو و شرف خانوادگی و... زمینه وقوع ازدواج زودرس را فراهم می‌نماید که با وجود ویژگی‌های بارز کودکی در رابطه زناشویی و عدم آموزش و آگاهی‌های اجتماعی لازم می‌تواند منجر به تضییع حقوق کودک و آزار و بهره‌کشی از وی شود. از دیگر سو می‌تواند سلامت جنسی کودکان را تحت تأثیر قرار دهد و منجر به بیماری‌های جسمی،

۱. دانشیار، گروه حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده

Email: javadpour89@yahoo.com

مسئول)

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۵/۱۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۲/۱۸

روحي و رواني، افزايش حاملگي و زايمان زودرس و... شود. از اين رو ارتقاي آگاهي ها و پيش بيني تكاليف و تعيين مجازات هاي مناسب، چنين پديده اي را محدود ساخته و امكان بروز چنين پيامدهاي ناگواري را کاهش مي دهد.

واژگان كليدي

كودك، ازدواج زود هنگام، سلامت جنسي، بهره كشي جنسي، فقه اماميه، حقوق بشر

مقدمه

یکی از شاخص‌ترین مؤلفه‌های زندگی مشترک، ارتباط جنسی سالم و رضایت‌بخش زوجین است که در قالب ازدواج مشروع شکل می‌گیرد و بی‌گمان بر خورداری از آمادگی لازم جسمی، روانی و اجتماعی رکن اساسی آن است، لیکن در این میان برای تعداد زیادی از دختران و برخی از پسران این ارتباط و پیوند مهم، قبل از سن قانونی و رشد لازم رخ می‌دهد که آثار منفی و پیامدهای ناگواری، به‌ویژه برای دختران به دنبال دارد و موجب آزار، اعمال خشونت و آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر آنان خواهد بود.

مطالعات نشان می‌دهد در جهان حدود ۸۲ میلیون دختر که در حال حاضر بین ۱۰ تا ۱۷ سال سن دارند، قبل از ۱۸ سالگی ازدواج می‌کنند؛ این رقم دخترانی را که در سنین پایین‌تر ازدواج می‌کنند نیز دربرمی‌گیرد؛ به عنوان نمونه در «نپال» ۷٪ از دختران، قبل از رسیدن به سن ۱۰ سال و ۴۰٪ تا رسیدن به سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند. در منطقه «امهرای اتیوپی» در مناطق روستایی، ۴۰٪ دختران قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال ازدواج می‌کنند و حتی در برخی از موارد برای خودداری از پرداخت وجه لازم قبل از ازدواج، ربوده می‌شوند و مورد تجاوز قرار می‌گیرند (۱). تخمین زده شده است بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰، ۱۳۰ میلیون دختر ازدواج زودهنگام خواهند داشت که از این تعداد ۱۴ میلیون دختر هر سال ازدواج می‌کنند و بسیاری از این‌ها زیر ۱۵ سال سن دارند. همچنین بیش از ۷۰۰ میلیون زنی که امروزه در قید حیات هستند، کودکان متأهلی‌اند که متأسفانه نیمی از این تعداد در جنوب آسیا به سر می‌برند (۲)، البته در اغلب این موارد مسأله رضایت و پذیرش ازدواج از سوی هریک از طرفین، به‌ویژه دختر و رضایت به انجام عمل جنسی صدق نمی‌کند و اغلب موارد رابطه جنسی در سن ۱۰ یا ۱۱ سالگی اتفاق می‌افتد، یعنی قبل از رسیدن دختر به سن بلوغ آغاز می‌شود. در مقابل حتی به دنبال رد کردن ازدواج، خشونت شدید علیه دخترانی اتفاق می‌افتد که عموماً در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند و به صورت‌های گوناگون مانند اسیدپاشی بروز می‌کند (۱).

بنابراین با عنایت به عواقب سوء و آثار منفی فراوانی که ازدواج زودهنگام بر سلامت، رشد و حقوق کودکان، به‌ویژه دختران دارد و اغلب با از دست‌دادن فرصت آموزش، منزوی شدن به لحاظ اجتماعی، بهره‌کشی و خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی از سوی شوهران خود، همراه می‌باشند، ضرورت اهمیت این پژوهش به خوبی نمایان می‌شود، اگرچه در این رابطه تحقیقات

متعددی سامان یافته، ولی کم‌تر تحقیقی با مطالعه تطبیقی و به صورت تفصیلی نسبت به این موضوع صورت پذیرفته است، البته نوشتار پیش رو، افزون بر مطالعه علل ازدواج‌های زود هنگام و پیامدهای منفی آن، بیشتر در پی پاسخ به این سؤال است که فقه امامیه و نظام بین‌المللی حقوق بشر، چه سازوکارهایی را برای این مشکل (ازدواج زود هنگام) منظور داشته و پیشنهاد می‌کنند تا با کاربری شایسته آن‌ها بتوان بر این معضل و عواقب آن فائق گشت و گام‌های مثبتی در ارتقای سلامت جنسی کودک برداشت.

این نوشتار ثابت می‌کند که شروع زندگی مشترک و ایفای تکالیف مربوط به آن، مستلزم آمادگی و قوای جسمی و رشد و قوای عقلانی افراد است، بی‌تردید در پرتو احترام به کرامت انسانی و برخورداری کودک از حق مشارکت و تصمیم‌گیری و با رعایت مساوات، عدم تبعیض و مصالح عالی‌وی، باید از اعمال هر گونه آسیب جسمی، روانی و جنسی بر کودک ممانعت نمود. بدین‌سان مباحث پژوهش حاضر در چهار قسمت تنظیم شده است. در ابتدا مفاهیم پایه‌ای بحث، یعنی «کودک»، «سلامت جنسی» و «ازدواج زود هنگام» به اجمال تبیین می‌شود، سپس علل و آثار سوء ازدواج کودک مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و در نهایت سازوکارهایی که در فقه امامیه و نظام بین‌المللی حقوق بشر پیشنهاد شده، ارائه می‌گردد.

مفاهیم

به منظور تبیین پایه‌های بحث و شناسایی مفاهیم کلیدی در این قسمت از نوشتار، به مطالعه و بررسی واژه‌های «کودک»، «سلامت جنسی» و «ازدواج زود هنگام» می‌پردازیم.

۱- مفهوم کودک

تعریف کودک یکی از موضوعات مهم و مؤثر در بررسی حقوق و مسائل کودکان است، به این دلیل که نهادها و قوانین مختلف، تعاریف گوناگونی از دوره کودکی ارائه داده‌اند. «کودک» مترادف با واژه‌های «رضیع»، «طفل»، «صبی» و «صغیر» است و در اصطلاح فقهی، «صغیر» کسی است که به حد بلوغ نرسیده باشد و در تصرف اموال خود ممنوع است، هر چند که در کمال تمیز و رشد باشد و تصرفاتش در نهایت سود و صلاح صورت پذیرد (۳)، البته به استناد ادله فقهی، همچون آیه ۶۷ سوره غافر و روایات وارده، از زمان بسته شدن نطفه و استقرار آن در رحم مادر تا زمانی که به حد بلوغ برسد، «کودک» اطلاق می‌شود (۴). از دیدگاه حقوقی،

کودک یا صغیر به شخصی گفته می‌شود که به لحاظ سن، به رشد و نمو جسمی و روانی لازم برای زندگی نرسیده باشد. از دیگر سو منظور از حقوق کودک، حقوقی است که کودک به مناسبت خردسال بودنش از آن بهره‌مند می‌شود. بنابراین آن قسمت از قوانین که سن افراد در آن‌ها تأثیری نداشته باشد و در مورد همه اعم از خردسال و بزرگسال اجرا می‌شود، در محدوده حقوق کودک نمی‌گنجد (۵).

کنوانسیون حقوق کودک در ماده «یک» کودک را چنین تعریف می‌کند: «منظور از کودک افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر آنکه طبق قانون قابل اجرا در مورد کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود» (۶). در این تعریف، انتهای کودکی مشخص شده، اما به ابتدای آن اشاره‌ای نشده است. این سکوت می‌تواند در بردارنده دو معنای متفاوت باشد: یکی این که بگوییم این امر بدیهی است و شروع کودکی به زمانی برمی‌گردد که طفل متولد می‌شود، هر چند این تصور با برداشت ما مطابق با ادله فقهی، یعنی زمان انعقاد نطفه، متفاوت است؛ دلیل دیگر عدم ذکر شروع دوران کودکی در این ماده را می‌توان به خاطر اختلاف نظر کشورهای امضا کننده کنوانسیون در زمان تصویب آن دانست. بدین منظور، تنها به پایان دوران کودکی تصریح شده و در مورد شروع این دوران سکوت اختیار کرده است. نکته دیگری که در ماده «یک» وجود دارد، در اینجا است که مقرر می‌دارد: «مگر این که طبق قانون درباره کودک، سن بلوغ کم‌تر تشخیص داده شود»؛ بدین مفهوم که ممکن است پایان دوران کودکی در برخی قوانین داخلی، متفاوت و مشخصاً کم‌تر از ۱۸ سال باشد، در واقع کنوانسیون سن کم‌تر از ۱۸ سال را نیز به رسمیت شناخته است.

باید افزود که کنوانسیون مزبور، سن بلوغ و رشد را از یکدیگر تفکیک نکرده است و گویا این دو سن را یکی می‌داند. اهمیت این نکته در این است که در برخی از کشورها، به‌ویژه کشورهای غیر اسلامی، مبنای کنوانسیون بر اساس مفهوم رشد پایه‌ریزی شده است. از این رو آن‌ها برای پایان دوران کودکی، مفهومی به نام بلوغ ندارند و در نتیجه ترجمه واژه مجوریتی «Majority» به بلوغ که در این ماده آمده، نادرست است، زیرا تدوین‌کنندگان کنوانسیون برای پایان دوران کودکی، معیاری به نام رشد را در نظر گرفته‌اند (۷).

در حقوق ایران به استناد تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی، سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است، اما در

مورد بهره‌مندی از حمایت‌های قانونی در ماده «یک» قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ آمده است: «کلیه اشخاصی که به سن هجده سال تمام هجری شمسی نرسیده‌اند، از حمایت‌های قانونی مذکور در این قانون بهره‌مند می‌شوند».

۲- چستی سلامت جنسی

سلامت به مفهوم «بی‌گزندشدن»، «از عیب و آفت رهایی‌یافتن» و «تندرستی» می‌باشد (۸) که به عنوان حق انسان مورد عنایت شریعت اسلامی واقع شده است و دارای ابعاد مختلف، یعنی بُعد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی می‌باشد که تمامی وجوه و شؤون زندگی فردی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد (۹)، هر چند از دیدگاه سازمان بهداشت جهانی، «سلامت» رفاه یا آسایش کامل جسمانی، روانی و اجتماعی و نه صرفاً نبود بیماری و ناتوانی است (۱۰).

بدیهی است که یکی از جنبه‌های سلامت، سلامت باروری است، یعنی یک وضعیت متعادل جسمی، روانی و اجتماعی است که صرفاً نبود بیماری و ناتوانی در تمام امور مربوط به سیستم تولید مثل و فرآیند و عملکرد آن را دربرندارد و به این مهم اشاره دارد که هر انسانی از این شایستگی برخوردار است که زندگی جنسی امن و رضایت‌بخشی در کنار ظرفیت تولیدمثل و آزادی در تصمیم‌گیری بر عمل جنسی داشته باشد و به طور ضمنی به حق زنان و مردان در اطلاع از آخرین وضعیت و شرایط روش‌های امن، مؤثر، مقرون به صرفه و قابل قبول در برنامه‌ریزی خانوادگی با انتخاب خویش و دیگر روش‌های تنظیم باروری مشروع اطلاق می‌شود. همچنین دربردارنده حق دسترسی به مراقبت‌های بهداشتی مناسب است که زنان را قادر می‌سازد، یک آرامش خاطر نسبت به بارداری، زایمان و ارتباط زناشویی با شانس بهتر در داشتن یک نوزاد سالم داشته باشند.

از آنجا که سلامت جنسی نیز مرتبط با سلامت باروری است، این نتیجه حاصل می‌شود که سلامت جنسی حرکت مثبت و آبرومند برای تمایلات جنسی، همچنین امکان داشتن ارتباط جنسی مشروع، امن و مطلوب به دور از تهدید، اجبار، تبعیض و خشونت است. از این رو برای این‌که سلامت جنسی به دست آید و حفظ شود، حقوق جنسی همه اشخاص باید محترم شناخته شده و حمایت و تقویت شود. در واقع این حقوق، به عنوان بخشی از حقوق بشر، توسط قوانین ملی و بین‌المللی و اسناد حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است و دربردارنده برخورداری از بالاترین استاندارد قابل حصول سلامت جنسی است که شامل دسترسی به خدمات

و مراقبت باروری و جنسی، جستجو، دریافت و انتقال اطلاعات مربوط به تمایلات جنسی، آموزش جنسی، احترام به تمامیت جسمی، انتخاب شریک جنسی، تصمیم به انجام یا عدم فعالیت جنسی و در نهایت اتخاذ یک زندگی جنسی امن و رضایت‌بخش، توأم با لذت می‌باشد (۱۱).

۳- مفهوم ازدواج زود هنگام

ازدواج به معنی «با هم جفت شدن» و «جفت گرفتن» است (۸). در عربی برای آن، واژه «نکاح» به کار می‌رود که در اصطلاح فقهی به معنی، همسرگرفتن مرد یا زن است که به سبب عقد ازدواج همراه با شرایط آن تحقق می‌یابد (۱۲). در قرآن کریم از آن به پیمان محکم یاد شده است، آنجا که خداوند در سوره نساء، آیه ۲۱ می‌فرماید: «و چگونه آن مال را پس می‌گیرید، در حالی که هر یک از شما از دیگری کام گرفته‌اید و همسران‌تان از شما (هنگام ازدواج، برای پرداخت مهریه) پیمان محکم گرفته‌اند».

از این رو پیمان زناشویی محکم‌ترین قرارداد اجتماعی است که می‌توان آن را ناشی از دوستی شدید و رحمت متقابل بین زن و شوهر دانست، البته مطابق نظر فقیهان شرط ازدواج دختر، رسیدن به سن بلوغ است (۱۳). در اصطلاح حقوقی «ازدواج» عبارت است از یک رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین مرد و زن حاصل می‌گردد و به آن‌ها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند (۱۴).

در اصطلاح حقوق بشر، ازدواج کودک بدین معنی است که زوجین یا یکی از آن‌ها، کودک بوده و ازدواجی تحت قوانین مدنی، مذهبی و یا عرفی با ثبت یا بدون ثبت رسمی، صورت بگیرد. از دیگر سو با عنایت به تعریف ماده «یک» کنوانسیون حقوق کودک که به طفل زیر ۱۸ سال کودک اطلاق می‌شود، ازدواج قبل از سن ۱۸ سالگی، ازدواج زود هنگام نامیده می‌شود، زیرا دختر قبل از ۱۸ سال به لحاظ فیزیکی، فیزیولوژیکی و روانی آمادگی پذیرش مسؤولیت ازدواج و بچه‌دار شدن را ندارد و نیز برای پسر، پذیرش مسؤولیت زندگی و تأمین آن دشوار است (۱۶-۱۵).

بدین‌سان، ازدواج زود هنگام ازدواجی است که قبل از فراهم شدن شرایط ازدواج از قبیل بلوغ، توانایی جسمانی و رشد لازم اتفاق می‌افتد و طرفین عقد نکاح یا یکی از آنان، به علت فقدان رشد کافی، آمادگی جسمی و یا روحی را برای این امر مهم ندارند.

علل ازدواج زودهنگام کودکان

ازدواج زودروس یا زودهنگام کودک یک نوع آزار و خشونت علیه سلامت کودکان است که میزان درگیری دختران در آن بالاتر می‌باشد. این پدیده ناخوشایند در بیشتر موارد به صورت سوء استفاده جنسی و بهره‌کشی از کودک بروز می‌کند. از این رو معضل و چالش مهمی می‌باشد که باید زمینه‌ها و عللی که در بروز آن مؤثر است، شناسایی و تبیین شوند تا بتوان در جهت رفع آثار ناگوار آن، راه‌کارهای مناسب و شایسته‌ای به کار برد. در ادامه تلاش می‌شود برخی از مهم‌ترین این علل، مورد اشاره و بررسی قرار گیرند.

۱- ارتباط خانوادگی

امروزه در برخی از نقاط آفریقا و آسیا برای تحکیم روابط خانواده‌ها، انجام معاملات بر روی زمین و یا اموال دیگر و حتی برای حل و فصل اختلافات خانوادگی و قبیله‌ای، حقوق کودکان را به عنوان یک انسان نادیده می‌گیرند و ازدواج یا نامزدی آن‌ها به مثابه عوض یا ابزار این مسائل منظور می‌شود. به عنوان نمونه، در پاکستان، ازدواج دختران راهی برای خلاصی از پرداخت خون‌بها به خانواده مقتول است، حتی در کشورهای آفریقایی مانند توگو و بنین، دختران به عنوان برده‌های جنسی استفاده می‌شوند، به گونه‌ای که در عوض کفاره گناهان و جنایاتی که بستگان‌شان مرتکب می‌شوند، به انجام خدمات جنسی در برابر کشیشان خدایان مجبور می‌شوند. افزون بر این، از هر گونه دسترسی به آموزش و پرورش و بهداشت و درمان محروم می‌باشند (۱۵).

۲- تبعیض (نابرابری جنسیتی)

نابرابری‌ها و تبعیض‌های ناروا میان فرهنگ‌ها و نسل‌ها متفاوت است و با عواملی مانند وضعیت اقتصادی، طبقه، نژاد، جنسیت، معلولیت، مذهب و... مرتبط است، لیکن این تبعیض‌ها می‌تواند زمینه‌ساز رسوم و حتی قوانینی شود که به طور معمول منجر به ضرر زنان در سنین مختلف است، به گونه‌ای که موجب محروم شدن آنان از حقوق‌شان می‌شود؛ چنین نابرابری می‌تواند به ازدواج زودهنگام کمک کند. هم‌چنانکه در تعدادی از کشورها مثل نیجر و هند در بالاترین حد وجود دارد، بدین معنی که دختران نمی‌توانند در مورد ازدواج خویش، سلامت و حقوق باروری و جنسی‌شان، اظهار نظر کنند و حتی تصمیمی بگیرند (۱۶).

۲- فقر و تدابیر اقتصادی

در جوامع سنتی و توسعه نیافته درصد مرگ و میر نوزادان و کودکان بالا است. در واقع حیات و بقای آنان بستگی به این دارد که خانواده دارای تمکن مالی و توانایی باشد تا مایحتاج خود و کودکان را مرتفع نماید. این در حالی است که با وجود بالا بودن هزینه‌های مورد نیاز پرورش کودک، اغلب تمایل به فرزندآوری به‌ویژه در مناطق روستایی زیاد است. این امر نیز ناشی از این تفکر است که خانواده پرجمعیت، می‌تواند یک احساس امنیت برای پدر و مادر در سنین کهولت فراهم نماید، لیکن به دنبال آن و به عنوان یک تدبیر و استراتژی در کاهش هزینه نگهداری کودک، ازدواج زود هنگام همواره مد نظر است. بنابراین می‌توان گفت که فقر دلیل اصلی ازدواج طفل است، زیرا با خروج یک نفر از منزل، منفعتی نصیب دیگر اعضای خانواده می‌شود. از دیگر سو والدین با ازدواج کودک خویش، به لحاظ فراهم آوردن جهیزیه و پرداختن مصرف هزینه بالا، در ازدواج سنین بالاتر آسوده خاطر می‌شوند. از این رو در کشورهایی که در جنوب صحرای افریقا واقع شده، به خوبی مشهود است که تحت تأثیر فقر و دیگر بلاها و مشکلات، دختران خویش را زودتر از موقع شوهر می‌دهند، حتی در برخی جوامع هم، مردان به دلیل این که هزینه‌ای برای ازدواج ندارند، زنان و دختران را می‌ربایند و مورد خشونت و تجاوز جنسی قرار می‌دهند که در واقع این عمل به نوعی می‌تواند ناشی از تأثیرات فقر باشد (۱۵).

هر چند ناگفته نماند، ازدواج زودرس برای پسران نیز می‌تواند یک معضل محسوب شود، زیرا از یکسو به دلیل بار سنگین مسؤولیت اقتصادی به لحاظ تحمل کردن فشار مالی، رنج می‌برند و از دیگر سو مجبور هستند زودتر از موقع ترک تحصیل کنند، در حالی که اگر فقر حاکم نبود و هزینه تحصیل نیز بالا نبود، ادامه تحصیل می‌توانست خود عاملی در براندازی و ریشه‌کنی فقر باشد، ولی اغلب خانواده‌ها به دلیل فقر، کودک را مجبور به قطع ارتباطش با تحصیل و تن دادن به چنین ازدواج‌های ناپهنگام می‌نمایند (۱۵)، به گونه‌ای که در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه، دو برابر بیشتر از مناطق شهری، دختران زیر ۱۸ سال ازدواج می‌کنند و افراد فقیر ۲۰٪ بیشتر نسبت به ثروتمند در معرض ازدواج زود هنگام قرار می‌گیرند (۱۷).

۴- کنترل روابط جنسی و حفظ عزت خانواده

در برخی موارد، به طور سنتی ازدواج کودکان بر اساس این باور انجام می‌شود که عاملی در کنترل رفتار جنسی و باروری دختران است، زیرا عقاید فرهنگی و مذهبی در حفظ باکره بودن و عفت و پاکدامنی دختران به طور مستقیم مرتبط با وضعیت و ناموس خانواده است، یعنی نفوذ زیادی بر والدین در امر ازدواج فرزندان‌شان ایفا می‌کند، لیکن برای حفظ آبروی خانواده و کاهش خطر فعالیت جنسی نادرست، در جوامع روستایی با شروع اولین دوره عادت ماهیانه، دختران از رفتن به مدرسه منع می‌شوند تا با محدود کردن حرکات‌شان، فعالیت جنسی‌شان حفظ و کنترل شود. بدین‌سان معتقدند که آموزش در درازمدت می‌تواند بر نقش آن‌ها به عنوان همسر و مادر آینده اثر منفی بگذارد (۱۵). در واقع والدین احساس می‌کنند با رضایت در امر ازدواج کودک، به نوعی امنیت جسمی و جنسی او را با حفظ دوشیزگی تضمین می‌کنند (۱۸). البته به نظر می‌رسد که کنترل روابط جنسی در جوامع امروزی فقط دامن‌گیر دختران به منظور حفظ دوشیزگی آن‌ها نمی‌باشد، بلکه والدین از ترس این‌که کودکان پسر نیز مرتکب عمل خلافی شوند و به حیثیت و آبروی خانواده لطمه وارد کنند، مبادرت به ازدواج آن‌ها می‌نمایند، حتی در برخی از موارد از ترس این‌که بتوانند از عهده مسؤولیت زندگی به خوبی برنیایند، همسرانی برای ایشان انتخاب می‌کنند که به لحاظ سنی با همدیگر اختلاف داشته و بزرگ‌تر از کودک‌شان بوده و یا برای این‌که به عنوان راهی برای حل مشکل فقر خانوادگی باشد، همسری انتخاب می‌کنند که شاید به لحاظ مالی در رفاه است، اما تفاهمی در زندگی مشترک با کودک ندارد و در نهایت می‌تواند منجر به مشکلاتی از جمله طلاق و جدایی آن دو شود.

۵- سنت و فرهنگ

در جوامعی که ازدواج کودک شایع است، یک فشار اجتماعی در سازگار ساختن آن‌ها با فرهنگ و سنت محل سکونت وجود دارد که در صورت عدم تطابق و ناسازگاری، منتهی به تمسخر، مذمت یا شرم خانواده می‌شود. به عنوان نمونه، در منطقه «امهرای اتیوپی» مردم بر این باورند که با مشاهده اولین قاعدگی در دختران، فعالیت جنسی‌شان تحریک می‌شود و این عاملی در تشویق به ازدواج زودرس آنان است (۱۵).

بر این اساس در بسیاری از موارد، آنچه به عنوان آداب و رسوم عرفی و مذهبی مرسوم است، عنایت به سن ازدواج، همسر مطیع و فرمانبردار بودن، خانواده پرجمعیت و دیگر مقررات

عرفی است. به عنوان نمونه، پدرسالاری در امر ازدواج کودک، بدین معنی است که نقش محوری پدر نسبت به خود دختر پررنگ‌تر جلوه می‌نماید. در واقع در چنین جوامعی، قوانین عرفی، حاکم بر قوانین ملی هستند (۱۵). از دیگر سو آنچه به خوبی مشهود است و ریشه در سنت و فرهنگ محل دارد، میزان تحصیلات کودک بوده که متغیر بسیار مهمی برای رضایت در امر ازدواج زودرس است، هرچه سطح تحصیلات کودک بیشتر باشد، ابتلا به این‌گونه ازدواج‌ها نیز کم‌تر است، لیکن در جوامع روستایی با توجه به فرهنگ و روشی که حاکم است، میزان تحصیلات کم‌تر است، پس رواج ازدواج زود هنگام نیز به نسبت بالاتر خواهد بود (۱۸). به عنوان نمونه، در بین ۱۰ کشوری که بالاترین میزان ازدواج کودک را تشکیل می‌دهد، ۵ کشور قوانینی دارند که اجازه می‌دهند، دختران از پسران زودتر ازدواج کنند، به گونه‌ای که در نیجر قانون اجازه می‌دهد که دختران در ۱۵ سالگی ازدواج کنند، در حالی که به پسران در ۱۸ سالگی - خواه با اجازه والدین یا عدم آن - چنین اجازه‌ای داده می‌شود (۱۷).

۶- درگیری، بلایا و شرایط اضطراری

وجود شرایط نامطلوب مانند احساس ناامنی و فقر شدید به‌ویژه در جنگ، قحطی و یا اپیدمی ایدز می‌تواند عاملی در تحریک والدین و دیگر سرپرستان قانونی کودک در انجام ازدواج زودرس کودکان به عنوان یک مکانیزم محافظتی و یا تدبیری برای بقا باشد. به عنوان نمونه، در برخی از نقاط کشورهای جنوب صحرای افریقا، اپیدمی ایدز، عاملی برای ازدواج کودک شناخته شده است. از این رو خانواده برای امنیت آینده دخترشان دست به چنین اقدامی می‌ورزند. همچنین در برخی مناطق دیگر که درگیر جنگ بوده‌اند، مانند افغانستان، سومالی و... به عنوان یک تدبیر و استراتژی در امنیت آینده دختر و یا حمایت خانواده، این‌گونه ازدواج‌ها صورت می‌گیرد، حتی در بدترین حالت آن، دختران ربوده می‌شوند و یا توسط نظامیان مجبور هستند رضایت به ازدواج موقت دهند. در برخی مواقع نیز ممکن است، خانواده‌های ساکن در اردوگاه‌ها احساس کنند، قادر نیستند از کودک خویش در برابر تجاوز به عنف محافظت کنند. از این رو ازدواج زود هنگام را انتخاب می‌کنند (۱۵). طی گزارشی از کمیسیون بین‌المللی کمیته نجات پناهندگان سوری، نشان داده شد فقر عاملی است که والدین برای پرداخت بدهی‌ها مثل پرداخت اجاره‌بها، از ابزار ازدواج کودک استفاده می‌کنند یا برای محافظت از تجاوز در اردوگاه‌ها برای کودک خود خارج از سن قانونی، همسر انتخاب می‌کنند (۱۷).

آثار سوء ازدواج زودهنگام بر سلامت کودکان

ازدواج زودرس پیامدها و آثار منفی بسیاری بر سلامتی، رشد و حقوق کودکان از خود به جا می‌گذارد. این ازدواج، اغلب فرصت آموزش و تحصیل را از آن‌ها می‌گیرد و باعث می‌شود به لحاظ اجتماعی به نوعی منزوی شوند. همچنین آزارها و خشونت‌های جسمی، جنسی و روانی از سوی شوهران بر دختران در زمره بیشترین مخاطرات این پدیده ناگوار است. از این رو به لحاظ اهمیت بحث، به برخی از این پیامدها به صورت تفصیلی می‌پردازیم.

۱- محرومیت از آموزش و تحصیل

آموزش نقش محوری در بالندگی و ارتقای بینش و آگاهی کودکان دارد، اما متأسفانه پدیده ازدواج زودرس عامل شایع و مؤثری در محرومیت از تحصیل و آموزش به شمار می‌رود. بی‌تردید آموزش مطلوب، به رشد دانش و مهارت‌ها، توانایی اعتماد به نفس و قدرت تصمیم‌گیری، لذت بردن از ارتباطات مثبت و سالم و در نهایت یک انتخاب آگاهانه در مورد بهداشت و رفاه در زندگی کمک می‌کند. تحقیقات نشان می‌دهند، مادرانی که ازدواج زودرس داشته‌اند، کم‌تر به آموزش فرزندان‌شان اهمیت می‌دهند، زیرا از فواید تحصیل کم‌تر اطلاع دارند. همچنین کم‌تر قادرند کودکان‌شان را حمایت کنند، به دلیل این‌که سطح تحصیل پایینی دارند که به تبع کودکان‌شان نیز زودتر از حد معمول ازدواج می‌کنند (۱۹). آنچه به خوبی مشهود است این‌که میان ازدواج زودرس و تحصیلات پایین یک ارتباط بینابین وجود دارد، به گونه‌ای که پس از ازدواج، دسترسی دختران به آموزش رسمی و غیر رسمی به دلیل مسؤولیت خانوادگی، زایمان و نگهداری کودک و... محدود می‌شود. از دیگر سو مطابق بیشتر فرهنگ‌ها، والدینی که دختران‌شان با ازدواج خانه را ترک می‌کنند، تمایلی به سرمایه‌گذاری برای تحصیل فرزندشان نشان نمی‌دهند، زیرا منافع سرمایه‌گذاری‌شان از دست خواهد رفت (۲۰).

بر این اساس شایان ذکر است که پیشرفت هر جامعه‌ای از جنبه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، به تربیت و آموزش افراد آن جامعه از دوران کودکی به‌ویژه از سنین پایین، بستگی دارد، ولی ترک تحصیل کودکان نیز اگر در پی ازدواج زودهنگام باشد، آنان را از ویژگی‌های شخصیتی‌ای که به رشدشان و در نتیجه به رشد جامعه کمک می‌کند، باز می‌دارد. همچنین این کاستی‌ها باعث تحمیل هزینه‌های سنگین، به دلیل از دست‌دادن توان افزایش بهره‌وری درآمد و بهبود کیفیت زندگی می‌شود.

۲- آسیب به سلامت جنسی و حقوق باروری

دخترانی که در سنین پایین ازدواج می‌کنند، به لحاظ سلامت جنسی آسیب‌پذیر و در معرض انواع بیماری‌های مقاربتی و جنسی قرار می‌گیرند، اما آنچه بیشتر نگران‌کننده است، چون اغلب شوهران‌شان، مردانی هستند که مسن بوده و قبلاً شریک جنسی داشته‌اند، پس درصد ابتلا به بیماری‌های مقاربتی و جنسی در مورد این قبیل کودکان بالاتر است. از دیگر سو در بسیاری از نقاط جهان، دختران و پسران، اطلاعات‌شان در مورد تنظیم خانواده و پیشگیری از بارداری، پیشگیری از ایدز، سلامت جنسی و تولید مثل، اندک است. به عنوان مثال، تنها ۲۴٪ از زنان ۱۵ تا ۲۴ سال می‌دانند که چگونه در برابر ویروس اچ‌آی‌وی (HIV) پیشگیری کنند (۲۱).

حتی اغلب دختران از رابطه جنسی سالم بی‌اطلاع هستند. برخی از قوانین کشورها نیز به کودک اجازه نمی‌دهند که بدون اجازه والدین و همسر، قبل از ۱۸ سالگی از خدمات بهداشت باروری و جنسی استفاده کند. در واقع، سن و جنس به عنوان مانعی در استفاده و اطلاع از خدمات بهداشت باروری و جنسی است. بنابراین نه تنها کودک نمی‌تواند با سن کم از وسایل پیشگیری از بارداری استفاده کند، بلکه اجازه ندارد در مورد چنین وسایلی نیز صحبت کند، زیرا در فرهنگ جامعه، این کار زشت و به عنوان یک ننگ و عار محسوب می‌شود. از این رو کودکان در خصوص استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری، فاقد اعتماد به نفس و آزادی بیان هستند، لیکن در عوض روش‌های مدرن، از روش‌های سنتی جهت پیشگیری استفاده می‌کنند؛ بنابراین سلامت جنسی و باروری‌شان در معرض خطر بیشتری قرار می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که میزان ابتلا به ایدز در میان دختران کنیا که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، دو برابر بیشتر از دختران ۱۵ تا ۱۹ ساله سراسر کشور است (۱۷).

۳- مرگ و میر مادران و نوزادان

یکی از خطرناک‌ترین عواقب ازدواج زودهنگام، بارداری است. در واقع عرف جامعه چنین است که به دنبال ازدواج، انتظار دارند به سرعت کودک باردار شود. از دیگر سو این بارداری زودهنگام می‌تواند منجر به مرگ مادر باردار شود. هر سال ۱۳/۷ میلیون دختر ۱۵ تا ۱۹ سال به دنبال ازدواج، زایمان می‌کنند. این در حالی است که دختران ۱۰ تا ۱۴ سال، پنج برابر بیشتر از کسانی که در سن ۲۰ تا ۲۴ سال هستند، در حین بارداری و زایمان فوت می‌کنند.

شواهد نشان می‌دهد که بارداری در طول چند سال اول بعد از بلوغ، در معرض افزایش خطر سقط جنین، زایمان غیر طبیعی، خونریزی بعد از زایمان، فشارخون بالا و یا ابتلا به بیماری‌هایی مانند فیستول زایمانی - که دو میلیون زن را در کشورهای در حال توسعه تحت تأثیر قرار می‌دهد - است، البته علت مرگ، بیشتر ناشی از بارداری ناخواسته، زایمان‌های مکرر و رعایت نکردن اصول بهداشتی در حین عمل زایمان گزارش شده است. افزون بر این، بارداری و زایمان زودرس با مرگ نوزاد همراه است. طبق گزارش سازمان جهانی بهداشت، نوزادانی که مادران آن‌ها زیر بیست سال هستند، ۵۰٪ بیشتر از آن‌هایی که سن مادران‌شان ۲۰ تا ۲۹ است، می‌میرند. نوزادان این مادران در معرض کمی وزن هنگام تولد و مرده‌زایی نیز قرار می‌گیرند که می‌تواند به علت‌های مختلفی مانند کمی سن مادر، عدم دسترسی و یا ضعف دسترسی به خدمات و مراقبت‌های بهداشتی اتفاق افتد، به‌ویژه مادرانی که در مناطق دورافتاده و روستایی زندگی می‌کنند، بیشتر با چنین خطراتی مواجه می‌شوند (۱۷).

۴- خشونت، سوء استفاده و بهره‌کشی جنسی

دخترانی که زودتر از سن قانونی ازدواج می‌کنند، بیشتر در معرض خشونت خانگی، سوء استفاده و روابط جنسی اجباری هستند، به گونه‌ای که سن، عدم آموزش، عدم مشارکت و تصمیم‌گیری در امور، می‌تواند آن‌ها را بیشتر در معرض خشونت و سوء استفاده قرار دهد که این خشونت تا بزرگسالی ادامه پیدا می‌کند. چنین کودکانی اصولاً همسر مردان متأهلی می‌شوند که با عنایت به اختلاف سنی که با یکدیگر دارند، کم‌تر قادر هستند با شوهران‌شان صحبت کنند و در مورد مسائل خانواده تصمیم بگیرند و از سلامت و تندرستی خودشان محافظت کنند، به‌ویژه در اولین رابطه جنسی، این خشونت بیشتر نمایان است (۱۷). در این میان، می‌توان به خشونت‌های جسمی که دامن‌گیر دختران می‌شود، مانند هل دادن، تکان دادن، سیلی زدن، مشت زدن، سوزاندن و حمله کردن با یک سلاح اشاره نمود (۱).

به هر روی، پایان چنین ازدواج‌هایی به دلیل اختلاف سن با شوهر خویش و یا درگیری با همسر اول شوهرشان یا طلاق است و یا این‌که شوهرشان به دلیل کهولت سن، فوت می‌کند و بیوه می‌شوند (۱۷).

۵- آثار سوء روانی و عاطفی

یکی از تأثیرات مخرب ازدواج کودک و در عین حال کم‌توجه، اثرات منفی است که بر روح و روان کودک از خود به جا می‌گذارد، به گونه‌ای که حتی در پسران کم‌تر از دختران تأثیرش لحاظ می‌شود. در واقع با چنین ازدواجی، کودک به نوعی از دوران کودکی خود فاصله گرفته و ارتباطش با خانواده و دوستانش قطع شده و از دیگر سو مسؤولیت زندگی نیز مزید بر علت می‌شود و فعالیتش محدود به امور خانه و بچه‌داری خواهد شد، لیکن منجر به پیدایش افسردگی و اضطراب می‌شود (۱۷). از این رو کودکان به دلیل عدم تحمل شرایط نابرابر و ناتوانی در قدرت حل مشکلات، معمولاً فرار از خانه، خودکشی و یا کشتن همسر را انتخاب می‌کنند که بیشتر چنین اعمالی در زنانی مشهود است که با فقر مالی، آموزشی و مهارتی و عدم توازن قدرت، حمایت قانون و دیگر افراد را برای خود نمی‌یابند، لیکن دست به چنین اقداماتی می‌زنند (۱۸)، حتی در مواردی که دختر از ازدواج همراه با خشونت فرار می‌کند و به خانه باز می‌گردد، ممکن است توسط والدین طرد و رانده شود و به عنوان یک همسر ناشایست، مورد ضرب و شتم نیز قرار گیرد (۱).

سازوکارهای ممانعت از ازدواج زودهنگام کودکان

ازدواج زودرس کودک، یکی از خطرناک‌ترین مظاهر نابرابری و در واقع نقض حقوق بشر و نیز نقض حقوق کودکان است و به عنوان یک رفتار غیر انسانی، تحقیرآمیز و برده‌داری محسوب می‌شود، اما مسأله آزار و خشونت در چنین ازدواج‌هایی نادیده گرفته شده است، به گونه‌ای که هم‌چنان نام ازدواج بر آن جاری است، نه خشونت؛ خشونتی که تأثیر مخربی بر سلامت و تمامیت جسمی، روحی و روانی پسران و دختران از خود به جا می‌گذارد، لیکن ضروری است که با جدیت و جامعیت در مورد آن اقدام گردد. از این رو در ادامه به برخی از سازوکارهای ممانعت از این پدیده نابهنجار و مخرب از منظر فقه امامیه و نظام بین‌المللی حقوق بشر می‌پردازیم.

۱- سازوکارهای ممانعت از ازدواج زودهنگام کودکان در فقه امامیه

از دیدگاه شریعت اسلام، انسان در هر سنی از کرامت برخوردار است. خداوند، کودک را به والدین امانت داده است و آنان باید حق احترام و تکریم این امانت را پاس دارند (۲۲). کرامت انسان در قرآن کریم به طور مستقیم و غیر مستقیم مورد تأکید قرار گرفته است و صریح‌ترین

آیه در این خصوص، آیه ۷۰ سوره اسراء است، آنجا که خداوند می‌فرماید: «به یقین فرزندان آدم را کرامت دادیم» و نیز پیامبر اکرم (ص) در اهمیت تکریم کودکان می‌فرماید: «فرزندان‌تان را گرامی بدارید و احترام نمایید و نیکو تربیت‌شان کنید» (۲۳). از دیگر سو کودک به عنوان یک انسان کامل، بنا بر اصل سلطنت که یک اصل عقلایی است، بر نفس خویش حاکم است (۲۴)، یعنی از حق مشارکت و تصمیم‌گیری برخوردار است، بدین مفهوم که حق دارد در مورد خویش و آنچه می‌خواهد، تدبیر کرده و اندیشه‌اش را بیان نماید. همچنین زمانی که به سن بلوغ برسد و از رشد فکری برخوردار شود، حق ابراز آزادانه عقاید و دیدگاه‌های خود را دارد. از این رو خداوند در آیه ۶ سوره نساء می‌فرماید: «و یتیمان را [نسبت به امور زندگی] بیازمایید تا زمانی که به حد ازدواج برسند، پس اگر در آنان رشد لازم را یافتید، اموالشان را به خودشان بدهید».

همان‌گونه که به خوبی مشهود است، به موجب آیه شریفه مزبور، مسأله بلوغ نکاح و رشد قابل تأمل می‌باشد. از آنجا که ازدواج یکی از حساس‌ترین وقایع زندگی انسان محسوب می‌شود و نیز از مهم‌ترین نهادهای حقوقی است، بی‌تردید مستلزم قدرت و شایستگی برای ازدواج می‌باشد، یعنی نه تنها در کنار رسیدن به بلوغ جنسی و توانایی برای رابطه زناشویی و آمیزش، قدرت اجتماعی برای تشکیل خانواده نیز ضرورت دارد، بلکه چون آغاز زندگی زناشویی با آغاز زندگی اقتصادی مستقل همراه است، شخص باید از قدرت اقتصادی لازم نیز برخوردار شود (۲۵). یعنی رشد که از آن به عقل و قدرت تدبیر در امور مالی یاد می‌شود و یکی از راه‌های حصول آن آزمایش (اختبار) کودک است، به گونه‌ای که در مردان از طریق امتحان آن‌ها با معاملاتی که در شأن آن‌هاست و در زنان با آزمایش کردن آن‌ها در اموری همچون عدم اسراف و تبذیر، خیاطی و... که مرتبط با خانه‌داری است، ضمن این‌که متناسب با شأن آن‌هاست، صورت می‌پذیرد (۱۳-۱۲).

بر این اساس، از تلفیق بلوغ نکاح و رشد، می‌توان بلوغ اشد را به اثبات رساند، یعنی زمانی که کمال قوای عقلی، فکری و استحکام قوای جسمی کودک به مرحله ظهور می‌پیوندد (۲۶). بنابراین باید ظرفیت جسمانی و درک و فهم روانی ایده‌آلی به دست آید که شخص را آماده پذیرای زندگی مشترک و حقوق و تکالیف مهم آن نماید.

البته ناگفته نماند، با عنایت به اوضاع و احوال اجتماعی و اقتصادی و حتی تعلیم و تربیت و وضع جسمی و روحی و روانی کودک، زمان رشد متفاوت خواهد بود، لیکن می‌توان گفت که

چون حق مشارکت کودکان در اموری که به آنان مرتبط است و نیز احترام به دیدگاه‌ها و نظرات کودکان از اصول اساسی حقوق کودک است، تصمیم‌گیری در مورد ازدواج نیز مصداق مهمی از همین حقوق است و آینده و سلامت کودک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از این رو می‌طلبند که نظرات کودک با توجه به سن، رشد و بلوغ فکری او شنیده شود.

دلیل دیگری که در این میان قابل تأمل است، اصل رعایت عدالت، مساوات و عدم تبعیض، به عنوان یکی دیگر از وظایف اخلاقی والدین شناخته شده است که هیچ‌گاه پسر بر دختری یا فرزندی بر فرزندان دیگری مقدم نیست. خداوند در سوره نحل، آیه ۹۰ می‌فرماید: «به راستی خدا به عدالت و احسان و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد». از این رو عدل به معنی واقعی کلمه آن است، یعنی هر چیزی در جای خود باشد و هر گونه انحراف، افراط، تفریط، تجاوز از حد، تجاوز به حقوق دیگران برخلاف اصل عدل است، اما از آنجا که عدالت، با همه قدرت و شکوه و تأثیر عمیقش در مواقع بحرانی و استثنایی به تنهایی کارساز نیست، بلافاصله به دنبال آن دستور به احسان می‌دهد (۲۵).

افزون بر آن، رعایت مصالح عالی‌ه کودک به عنوان شاخص‌ترین مسائلی است که در امر ازدواج، باید به آن توجه شود، به گونه‌ای که در حدیثی پیامبر (ص) به حضرت امیر (ع) سفارش می‌کند: «ای علی حق کودک بر والد خویش این است که اسمی نیکو برای او انتخاب کند و تربیتش کند و او را در وضعیتی شایسته قرار دهد» (۲۷)، اما در اینجا پرسش مطرح می‌شود که با عنایت به ادله فقهی، از یکسو حق برخورداری از مشارکت و تصمیم‌گیری به کودک داده شده و از دیگرسو مسأله ولایت ولی مطرح شده است که می‌توانند با هم تزامم کنند، پس محدوده هریک در امر ازدواج چه اندازه است؟

در پاسخ آمده است که فقیهان در مسأله تزویج (جاری‌شدن صیغه عقد) بر این باورند که پدر و جد پدری بر تزویج صغار ولایت دارند (۲۸)، به گونه‌ای که برخی می‌گویند: «برای پدر جایز است دختر خود را که به حد بلوغ نرسیده، تزویج نماید» (۲۹)؛ از دیگرسو در کنار اجازه به جاری‌کردن صیغه عقد، برای رعایت‌نکردن برخی از شرایط، مجازاتی را مشخص نموده است، یعنی بر زوج حرام است، قبل از رسیدن صغیره به سن بلوغ - در دختران ۹ سال و در پسران ۱۵ سال است و تبصره «یک» ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی نیز از آن تبعیت نموده است - با او نزدیکی نماید، خواه صیغه عقد دائم یا صیغه عقد موقت جاری شده باشد و این حکم، مورد

اتفاق فقیهان است (۱۲). در واقع در صورت مجامعت با زوجه صغیره دو حالت برای وی متصور است که به سلامتی او آسیب وارد می‌کند، یعنی یا با افضا - یکی شدن مخرج بول و غایط در زن - همراه می‌باشد که نه تنها بر زوج پرداخت دیه یک انسان کامل، افزون بر نفقه او تا پایان عمر زوجه واجب می‌شود (۱۲)، بلکه بر وی حرام مؤبد خواهد بود (۲۹) و یا بدون افضا همراه است؛ حال چنانچه بدون رخ دادن افضا باشد، عقد نکاح باقی است، ولی به ممنوعیت مجامعت با او حکم می‌شود، اما می‌تواند او را طلاق دهد یا بدون مجامعت با وی، زندگی کند (۳۰)؛ البته به موجب قواعد و ادله عام ضمان، هر آسیب و زیانی که از این رفتار ضررآمیز حاصل شود، مستلزم جبران خسارت خواهد بود.

از این رو بر پایه دیدگاه فقیهان هر چند عقد کودک مجاز است، اما مجامعت با او مورد نهی واقع شده است، لیکن سرآغاز هر فعالیت، رعایت مصالح عالییه کودک در اولویت قرار دارد، به گونه‌ای که برخی از فقیهان در ارتباط با معتبر بودن رعایت چنین مصالحی، ادعای اجماع نموده و معتقدند: «تصرف ولی در امور کودک طبق ادله و اجماع فقها مشروط به مصلحت کودک است، زیرا قدر متیقن از ادله، ولایت است» (۳۱)؛ البته با استناد قاعده فقهی «الناس مسلطون علی اموالهم» به طریق اولی هیچ فردی بر نفس دیگری نباید سلطه داشته باشد و اقتداری که شرع برای سلطه بر کودک منظور نموده است، تنها جلب حمایت و حفاظت از مصالح کودک بوده و هست، در غیر این صورت، باید اصل را بر عدم سلطه و ولایت دانست (۳۲).

بر این اساس مستفاد می‌شود که والدین بر پایه اصل مصلحت‌محوری، نباید اقداماتی را انجام دهند که کودک از بابت آن‌ها متحمل ضرر و زیان شده و سلامت جسمی، روحی و روانی او دچار خدشه شود، این مهم را می‌توان از ظاهر ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی استنباط نمود، آنجا که به پیروی از دیدگاه برخی از فقیهان معاصر، اشعار می‌دارد: «عقد نکاح دختر قبل از رسیدن به سن ۱۳ سال تمام شمسی و پسر قبل از رسیدن به سن ۱۵ سال تمام شمسی منوط است به اذن ولی، به شرط رعایت مصلحت با تشخیص دادگاه صالح (اصلاحی ۱/۴/۱۳۸۱)»، چراکه عقد صغار نه تنها باید مبنی بر خالی بودن از مفسده و وارد نشدن ضرر بر صغیر یا صغیره باشد، بلکه لازم است، مصلحتی نیز عاید وی شود و یا چنانچه مفسده‌ای سلامت و تمامیت کودک یا منافع مادی و معنوی او را تهدید می‌کند، از وی دفع شود. به عنوان نمونه زمانی که ازدواج، رهایی از

فقر را به دنبال دارد، همان گونه که در ادله فقهی نیز به کرات رفع عسر و حرج مورد تأکید واقع شده است؛ البته این نکته قابل تأمل است که در ماده مزبور اشاره‌ای به رشد کودک نشده است. شایان توجه است که اسلام راه خلاصی از فقر را ازدواج کودک قرار نداده، بلکه یکی از جنبه‌های سرپرستی کودک، تأمین مخارج زندگی اوست که در ادله فقهی، فراهم نمودن آنچه که شخص به طور متعارف برای ادامه زندگی به آن‌ها محتاج است؛ از قبیل تغذیه، مسکن، پوشاک، هزینه معالجه و تحصیل و...، یعنی «نفقه» مورد تأکید واقع شده است و تأمین آن بر عهده پدر و جد پدری می‌باشد که در صورت عدم حضور ایشان یا مقدور نبودن بر تأمین، بر عهده مادر است. ضمن آنکه حکم و جوب بر آن حمل می‌شود (۱۲). اهمیت موضوع نیز تا حدی است که در مقابل سفارش اسلام به تأمین ضرورت‌های اولیه کودک، اهمال در تأمین نیازهای زندگی کودکان، به‌ویژه یتیمان و بی‌سرپرستان مورد نکوهش واقع شده است (بقره: ۲۲۰؛ اسراء: ۳۴). بنابراین مطابق ادله فقهی، یکی از راه‌های نجات از فقر، سوق دادن کودک به سمت آموزش و تحصیل مهارت‌ها معرفی شده است، زیرا کودک به صورت بالقوه، مهارت‌هایی در وجود خود دارد که نیاز است به فعلیت مبدل شوند، لیکن ضروری است که تحت آموزش مناسب قرار گیرد، پس به عنوان اولین مرحله در چنین آموزشی، لازم است قدرت عقل و تفکر در کودک تقویت شود. همان گونه که به موجب روایات وارده، اهمیت آموزش خواندن و نوشتن، شناگری و تیراندازی به اثبات می‌رسد (۲۳).

ضمن آنکه با مطالعه ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی می‌توان بر آن چند اشکال وارد نمود: اولاً از جهت شرعی، ازدواج افراد، اگرچه در زیر سن بلوغ باشند، چندان محدودیتی ندارد، حتی اگر محدودیت قانونی داشته باشد، به لحاظ شرعی عمل نادرستی صورت نگرفته است؛ ثانیاً از جهت قانونی هم، الزامات و ضمانت اجرایی لازم وجود ندارد. از دیگر سو با عنایت به این‌که در شرایط کنونی یک دختر ۱۳ ساله به لحاظ جسمی و روانی چنان رشد نیافته است که بتواند شرایط بارداری را تحمل کند و یا در صورت باردارشدن جزء دسته مادران پرخطر محسوب می‌شود که نه تنها احتمال خطر برای او هست، بلکه احتمال مرگ و میر جنینی و یا کاهش رشد داخل رحمی و سقط جنین را به همراه دارد، بنابراین مناسب است، سن معین شده در کنوانسیون حقوق کودک، یعنی بعد از سپری شدن دوران کودکی (۱۸ سال) به عنوان ملاک ازدواج قرار گیرد. افزون بر آن، شایسته بود واژه «تزویدج» در عوض «عقد نکاح» در ماده مزبور (۱۰۴۱)

قانون مدنی) استفاده می‌شد که با دیدگاه فقیهان در یک راستا قرار می‌گرفت، زیرا در مقایسه با کلام ایشان، عقد بدون رابطه زناشویی منع شرعی ندارد. همچنین می‌توان گفت که از دیدگاه اسلام سن ازدواج، طریقت دارد نه موضوعیت، لیکن سن ازدواج را ۱۸ سال ندانسته است. به هر روی، در کنار استنباط ممانعت ازدواج زودرس با استناد ادله فقهی و دیدگاه فقیهان، این مهم نیز به عنوان بخشی از وظایف دولت قابل اثبات است؛ مطابق اصل بیست و یکم قانون اساسی، دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ایجاد کند. افزون بر آن، به عنوان یک اقدام ملی، به توسعه و اجرای قوانین مؤثر، به‌ویژه حصول اطمینان از تضمین سن ۱۸ سالگی به عنوان حداقل سن قانونی ازدواج برای دختران و پسران، بهبود دسترسی دختران به آموزش و پرورش، تعامل و همکاری والدین، معلمان، رهبران مذهبی و جامعه با یکدیگر، ارائه جامع اطلاعات و خدمات حقوق و سلامت جنسی و باروری، حمایت‌های اقتصادی و معیشتی، حمایت از دختران و پسرانی که ازدواج کرده‌اند، شناخت و ترویج مشارکت کودکان در امور مربوط به آن‌ها، نیاز است (۱۷).

۲- سازوکارهای ممانعت از ازدواج زود هنگام کودکان در نظام بین‌المللی حقوق بشر

با عنایت به این‌که کودک به دلیل نداشتن رشد کامل فیزیکی و ذهنی، نیازمند مراقبت، محافظت و حمایت سرپرستان خویش، به‌ویژه والدینش است، از این رو با استناد شواهد موجود، ازدواج زود هنگام عاملی در نقض حمایت از دوران کودکی محسوب می‌شود، به گونه‌ای که بیش از ۳۰ کشور اجازه می‌دهند ازدواج کودک زیر ۱۵ سالگی اتفاق افتد، مانند اتیوپی، کنیا، نیجریه، ایران، لبنان و ایالات متحده (۲۰). از دیگر سو پیمان‌نامه حقوق کودک اغلب در خصوص اختلاف بین حداقل سن ازدواج دختر و پسر تحت قانون، به عنوان نقض اصل عدم تبعیض اظهار نظر می‌کند و اصرار دارد که کشورها، قوانین‌شان را با قوانین و مقررات کنوانسیون تطبیق دهند (۶)، لیکن بنا بر ماده «یک» پیمان‌نامه مزبور حداقل سن ازدواج برای هر دو جنس مذکر و مؤنث باید ۱۸ سال باشد.

این در حالی است که هر زن و مرد بالغی حق دارد بدون هیچ محدودیتی به لحاظ نژاد، ملیت، تابعیت یا مذهب، با همدیگر ازدواج کنند و ازدواج باید آزادانه و با رضایت زن و مرد انجام شود (۳۳). همچنین ضرورت دارد، دولت‌ها تدابیر مقتضی را به منظور تساوی حقوق و

مسئولیت‌های زوجین در مورد ازدواج در مدت زوجیت، اتخاذ کنند (۳۴). از دیگر سو دولت‌ها نیز باید اقدامات لازم را برای رفع تبعیض علیه زنان در همه امور مربوط به ازدواج و روابط خانوادگی به عمل آورند (۳۵). از این رو به طریق اولی ضمن حمایت و مساعدت و اقدامات لازم علیه تبعیض کودکان، باید تمامی حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بین هر دو جنس به طور مساوی تأمین شود (۳۶).

البته به صراحت می‌توان گفت که کنوانسیون حقوق کودک در مورد ازدواج کودکان و مسائل مربوط به آن، دارای خلأ جدی است، اما حق رضایت کامل و آزادانه برای ازدواج در اعلامیه جهانی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. همچنین به موجب «کنوانسیون رفع کلیه انواع تبعیض علیه زنان» ازدواج کودکان، ممنوع اعلام شده است (۳۵).

افزون بر آن، چون هر انسانی از تعرض مصون است، کودک نیز به عنوان یک انسان کامل، نه تنها از چنین مصونیتی برخوردار است، بلکه این حق را دارد که به حیثیت ذاتی او احترام گذاشته شود (۳۷) و در برابر هر گونه غفلت، ظلم و استثمار، حمایت شود و نیز نباید به هر وسیله، مورد معامله و مبادله قرار بگیرد، حتی قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب، نباید استخدام شود، به‌ویژه در کارهایی که به سلامت یا آموزش او لطمه وارد شود و یا باعث اختلال رشد بدنی و فکری و یا اخلاقی وی گردد (۳۸)، اما کم‌تر در جوامع مختلف، مقابله با چنین معضلاتی رؤیت می‌شود. به عنوان نمونه، در کشورهایی همچون افغانستان نه تنها به موجب ماده ۷۰ قانون مدنی، سن قانونی ازدواج برای دختران ۱۶ سال و در پسران ۱۸ سال است، بلکه بیش از یک‌سوم زنان، ازدواج زیر ۱۸ سال دارند که یکی از غم‌انگیزترین نتایج آن خودسوزی است که بیشتر به علت ازدواج اجباری می‌باشد، زیرا کودک در مقابل گوسفند و یا حتی مواد مخدر فروخته می‌شود و به تزویج یک مرد مسن درمی‌آید. بنا به گزارش دولت، اغلب به دلیل افسردگی هر ساله حدود ۲۵۰۰ زن اقدام به خودسوزی می‌کنند، البته در تمامی موارد، به فوت زنان و دختران ختم نمی‌شود، ولی برای فرار از بهره‌کشی و یا خشونت خانگی این کار صورت می‌پذیرد (۲). افزون بر این، تبعیض جنسیتی تنها به اینجا خاتمه نمی‌یابد، بلکه در مدارس نسبت میان دختر به پسر یک به سه است و خانواده‌ها بیشتر در تلاش هستند که برای پسران خویش سرمایه‌گذاری کنند و دلیل نفرستادن دختران را به مدرسه، محیط ناامن حاکم، بیان

می‌کنند، به گونه‌ای که تنها ۳۳٪ دختران برای تحصیلات متوسطه ثبت‌نام می‌کنند که این خود نیز عاملی در ازدواج زودرس دختران خواهد بود (۳۹).

شایان ذکر است که کشورهای‌های طرف کنوانسیون حقوق کودک باید حق ذاتی هر کودک را برای زندگی به رسمیت بشناسند و فراهم آوردن حداکثر امکانات را برای بقا، پیشرفت و زمینه ابراز عقاید به شکل آزادانه، مطابق با سن و بلوغ وی تضمین کنند و باید تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوء استفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار، از جمله سوء استفاده جنسی و برخورداری از بهترین اقدامات بهداشتی و تسهیلات لازم برای درمان و توانبخشی، انجام دهند (۶).

افزون بر این، چون یکی از پیامدهای خطرآفرین ازدواج زودهنگام، محرومیت از تحصیل می‌باشد، دولت‌ها باید در براندازی سنت غلط ازدواج کودک، تحصیل ابتدایی را برای همه کودکان اجباری و رایگان کنند و در کنار تشویق به ادامه تحصیل، زمینه را برای برطرف کردن جهل و بی‌سوادی فراهم آورند و این کار محقق نمی‌شود، مگر با تسهیل در دسترسی به اطلاعات فنی و علمی و آماده‌سازی کودک برای داشتن زندگی مسؤولانه در جامعه‌ای آزاد و با روحیه‌ای آکنده از تفاهم و تساوی زن و مرد، در کنار احترام به شخصیت و استعداد‌های جسمی و روحی کودک (۶)، سپس کودکان را تشویق و آگاه نمایند که با هر گونه فعالیت‌های غیر قانونی جنسی و استفاده برای هر گونه سوء استفاده استثماری مانند فاحشه‌گری و دیگر اعمال غیر قانونی مخالفت و مبارزه کنند. همچنین دولت‌ها اطمینان دهند که به کودک در رسیدن به این اهداف، به‌ویژه در برابر ربوده‌شدن یا فروش کودکان حمایت و یاری می‌رسانند (۶).

به هر روی، از مهم‌ترین اقدامات بین‌المللی می‌توان به همکاری کشورهای عضو سازمان ملل متحد برای رسیدگی به امر ازدواج کودک به عنوان نقض حقوق بشر، تلاش و سرمایه‌گذاری برای مواقع لزوم همچون اتفاق افتادن جنگ و بلایای طبیعی به منظور حفاظت از دختران، حمایت آژانس‌های سازمان ملل و سازمان‌های جامعه مدنی به منظور توسعه و اتخاذ و اجرای برنامه‌های عملیاتی در جهت پایان دادن به ازدواج کودک و پشتیبانی دولت در ارائه خدمات آموزش و پرورش به کودکان، اشاره نمود (۱۷).

بر این اساس به نظر می‌رسد، گرچه ازدواج زودهنگام به صراحت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر ذکر نشده است، اما از یکسو بدیهی بودن موضوع قابل استنباط است؛ از دیگر سو، هر چند به دلالت تطابقی نتوان در خصوص ممنوعیت چنین ازدواج‌ها و ضررهایی که کودک از آن‌ها متأثر می‌شود، صحبت نمود، اما از بیان عام می‌توان افاده خاص نمود و به طور مطلق استنباط نمود که باید از تمام کارهایی که به نوعی بر سلامت و تمامیت جسمی، روحی و روانی و حتی اجتماعی و معنوی کودک ضرر وارد می‌شود، به‌ویژه آنچه سلامت جنسی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ممانعت نمود. همچنین ازدواجی مورد پذیرش قرار می‌گیرد که نه تنها سن بلوغ لحاظ شود، بلکه اراده آزاد طرفین محقق شده باشد، لیکن تقویت اجرای قوانین موجود برای ممانعت از ازدواج‌های زودهنگام که به نوعی حق سلامت کودک مورد غفلت واقع می‌شود و موجب تأثیر منفی بر سلامت ایشان به‌ویژه بر دختران خواهد بود، با همکاری و مشارکت جامعه، والدین و حتی خود کودکان در کنار دولت میسر خواهد شد و نیز این اطمینان حاصل شود که ضمانت‌های اجرایی برای انجام ازدواج زودرس وجود دارد و طفل از حق آموزش، سلامت، مشارکت، تصمیم‌گیری و ابراز عقیده و عدم تبعیض برخوردار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

از آنچه گفته شد این نتیجه حاصل می‌شود که: ۱- سلامت جنسی نیازمند رفتار کرامت محور، برخورد توأم با احترام و روابط جنسی سالم، رضایت بخش و به دور از اجبار است. تأمین سلامت جنسی موضوع پیچیده‌ای است که تحت تأثیر عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، روانشناختی و زیست‌شناختی قرار می‌گیرد. از این رو ازدواج زودهنگام و اجباری کودک یکی از مواردی است که می‌تواند به شدت سلامت جنسی و نیز سلامت جسمی، روحی و روانی را تحت تأثیر قرار دهد. در واقع عاملی است برای نقض حق بهداشت و سلامت و زمینه‌ای برای بهره‌کشی و سوء استفاده جنسی می‌باشد. پدیده ناگواری که عامل آزار و خشونت علیه کودکان است و با فقر، بیماری و بی‌سوادی و ناتوانی همراه می‌باشد.

۲- موضوع ازدواج زودرس کودکان در فقه اسلام برخلاف نظام بین‌المللی حقوق بشر به صراحت مورد عنایت واقع شده است، به گونه‌ای که به استناد دیدگاه فقیهان امامیه، به رغم جایز دانستن تزویج طفل از سوی ولی قهری با عنایت به رعایت مصلحت، مجامعت را تا پیش از

رسیدن به سن بلوغ ممنوع دانسته و ضمانت اجرا برای آن مقرر شده است. این در حالی است که در نظام بین‌المللی حقوق بشر، به رغم تعهدات ایجاد شده تدابیر لازم منظور نشده و در صورت نقض حق سلامت کودک نیز فاقد ضمانت اجرایی مناسب می‌باشد، البته در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، ۱۸ سالگی به عنوان سن ازدواج برای هر دو جنس مذکر و مؤنث منظور گردیده است که این مهم نیز در فقه قابل تأمل است، زیرا عنایت به سن بلوغ در امر ازدواج، فقط جنبه طریقت داشته و به لحاظ عدم رشد کافی کودکان، به‌ویژه دختران از لحاظ بُعد جسمی و روحی برای آمادگی زندگی مشترک و حقوق و تکالیف مهم آن، امکان افزایش سن ازدواج وجود دارد، به‌ویژه این‌که بنا بر ادله فقهی دارابودن بلوغ اشد برای ازدواج به اثبات می‌رسد. از این رو امروزه به خوبی روشن است که با عنایت به شرایط زمانی، مصلحت کودکان در بستر آن تغییر یافته است و کم‌تر موردی یافت می‌شود که امر ترویج ازدواج زود هنگام را موجه جلوه دهد.

۳- در سایه رعایت و احترام به حیثیت ذاتی انسان و برخورداری کودک از حق مشارکت و تصمیم‌گیری در کنار رعایت عدالت، مساوات و عدم تبعیض و لحاظ مصالح عالییه او، والدین نمی‌توانند اقداماتی را انجام دهند که کودک از سوی آن‌ها متحمل ضرر و زیان شده و سلامت جسمی، جنسی، روحی و روانی‌اش دچار خدشه شود و در معرض آسیب جسمی، روانی و جنسی قرار گیرد.

۴- با وضع و اجرای مقررات ملی در راستای مبانی فقهی و انظار فقیهان و هماهنگی با تدابیر و اقدامات مناسب بین‌المللی و نیز منظور داشتن مشاوره با والدین و افزایش آگاهی و آموزش عمومی در سطوح ملی و محلی با تأکید بر نقش روحانیون مذهبی و ترویج برابری جنسیتی و انجام ازدواج آگاهانه و رضایت‌مندانه، می‌توان رونق و ترویج ازدواج زود هنگام را که ریشه در انگاره‌های فرهنگی، رسوم و عرف دارد و هم‌چنان در سراسر جهان به چشم می‌خورد، مرتفع نمود.

References

The Holy Qur'an.

1. Pinheiro PS. World Report Violence against Children. Geneva: United Nations; 2006. p.58, 60. [English]
2. United Nations Population Fund & United Nations Children's Fund. Mapping of initiatives to End Child Marriage in South Asia; 2016. p.4-14. Available at: <http://nepal.unfpa.org/sites/asiapacific/Files>. [English]
3. Mousavi Khomeini R. Tahrir al-Wasila. 1st ed. Qom: Dar al-Elm Publications Institute; No Date. Vol.2 p.12. [Arabic]
4. Ibn Babawaih M. Man La Yahduru al-Faqih. 2nd ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1992. Vol.4 p.171. [Arabic]
5. Aqa Bygluyi A, Rasoolzadeh Tabataba'i K, Mousavi Chalak H. Child Abuse. Tehran: Avand Danesh; 2001. p.13. [Persian]
6. Convention on the Rights of the Child. Adopted and opened for signature. Ratification and accession by General Assembly resolution 44/25; 1989. Articles 1-2, 12, 19, 24, 34-36, 28-29. [English]
7. Payvandi GHR. The Rights of Child. 1st ed. Tehran: Publications Organization of Institute of the Culture and Islamic Thought; 2012. p.43-44. [Persian]
8. Amid H. Amid Dictionary. 4th ed. Tehran: Amir Kabir Publications Institute; 1995. p.110, 747. [Persian]
9. SafiKhani H. Health in the Perspective of Islam. Quarterly of Social Securace 2007; 9(28): 225-246. [Persian]
10. Callahan D. The WHO Definition of "Health" (The Concept of Health). The Hastings Center Studies 1973; 1(3): 77-88. [English]
11. Defining Sexual Health: Report of a Technical Consultation on Sexual Health. Geneva: Published by World Health Organization; 2006. p.4-5. [English]
12. Najafi MH. Jawahir al-Kalam. 7th ed. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi; 1983; Vol.26 p.48, Vol.29 p.5-422, Vol.31 p.367, 376. [Arabic]

13. Amili Z. Masalik al-Afham. 7th ed. Qom: Al-Ma'arif al-Islamiyya Institute; 1992. Vol.4 p.150, Vol.7 p.67. [Arabic]
14. Imami H. Civil Rights. Tehran: Al-Islamiyya Publications; No Date. Vol.4 p.268. [Persian]
15. United Nations Population Fund. Ending Child Marriage: A guide for global policy Action. London: Published by IPPF; 2007. p.7-20. Available at: <http://www.unfpa.org/sites/default/files/pub-pdf>. [English]
16. Myers J, Harvey R. Breaking Vows: Early and Forced Marriage and Girls' Education. London: Published by Plan (International UK). 2011. p.2. Available at: <http://www.planuk.org/resources/documents/Breaking-Vows-Early-and-Forced-Marriage-and-Girls-Education/>. [English]
17. Davis A, Postles C, Rosa G. A Girl's Right to Say No to Marriage: Working to End Child Marriage and keep Girls in Schools. United States: Published by Plan Limited (is a wholly owned subsidiary of Plan International); 2013. p.6-55. Available at: <http://www.planbelgie.be/sites/default/files/user>. [English]
18. Latifi R. Consequences of Health Early Marriage on Women's. Quarterly of Woman and Health. Islamic Azad University of Astara 2010; 1(2): 67-79. [Persian]
19. Royal Commonwealth Society. Preventing Child Marriage in the Commonwealth: the Role of Education. 2015. p.9. Available at: <https://thercs.org/assets/Uploads/Preventing-Child-Marriage-in-the-Commonwealth.pdf>. [English]
20. United Nations Children's Fund. Child Marriage and the Law: Legislative Reform Initiative-Paper Series. New York: Unicef; 2008. p.18, 36. [English]
21. Early Marriages. Adolescent and young Pregnancies: Report by the Secretariat of the World Health Organization. Sixty-Fifth World Health Assembly; 2012. p.2-3. Available at: <http://apps.who.int/gb/Ebwha>. [English]
22. Labaf F. Rights of the Children from the Perspective of Qur'an and Tradition. 1st ed. Tehran: Zohd Publications; 2006. p.96. [Persian]
23. Nouri H. Mostadrak al-Wasa'il. Qom: Aal al-Bayt (PBUT) Institute; 1987. Vol.15 p.168. [Arabic]

24. Mousavi Khomeini R. Kitab al-Bay. 1st ed. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Works of Imam Khomeini; 2000. Vol.4 p.237. [Arabic]
25. Makarem Shirazi N. Tafsir-e Nemooneh. 1st ed. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya; 1995. Vol.3 p.272, Vol.11 p.366-367. [Persian]
26. Tousi M. Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an. 1st ed. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-Arabi; No Date. Vol.7 p.292. [Arabic]
27. Majlesi Isfahani MB. Bihar al-Anwar. 2nd ed. Beirut: Dar Ihya' al-Turath; 1982. Vol.74 p.58. [Arabic]
28. Helli H. Mukhtalif al-Shi'a. 2nd ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1992. Vol.7 p.117. [Arabic]
29. Tousi M. Al-Nihaya fi Mujarrad al-Fiqh va al-Fatawa. Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi; 1979. p.453, 464. [Arabic]
30. Helli M. Al-Sara'er al-Hawi. 2nd ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1989. Vol.2 p.532. [Arabic]
31. Husseini Maraghi M. Al-'Anawin al-Fiqhiyya. 1st ed. Qom: Publications Office of Affiliated to the Society of Seminary Teachers of Qom; 1996. Vol.2 p.559. [Arabic]
32. Meghdadi MM. The Position and Influence of Interest in the Supervision of Child in the Perspective of Jurisprudence and Law. Journal of Women Strategic Studies 2011; 14(54): 175-210. [Persian]
33. United Nations Universal Declaration of Human Rights. Adopted and proclaimed by General Assembly Resolution 217 A (III); 1948. Article 16(a&b). [English]
34. International Covenant on Civil and Political Rights. Adopted and Opened for Signature, Ratification and Accession by General Assembly Resolution 2200A (XXI); 1966. Article 23(4). [English]
35. Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women. Adopted and Opened for Signature, Ratification and Accession by General Assembly Resolution 34/180; 1979. Article 16(1). [English]

36. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. Adopted and Opened for Signature, Ratification and Accession by General Assembly Resolution 2200A (XXI); 1966. Article 3. [English]
37. African Charter on Human and Peoples Rights (1982). Adopted 27 June 1981. OAU Doc. CAB/LEG/67/3 rev. 5, 21 I.L.M. 58, Articles 4&5. [English]
38. Declaration of the Rights of the Child. G.A. res. 1386 (XIV), 14 U.N. GAOR Supp. (No.16) at 19, U.N. Doc. A/4354; 1959. Principle 9.[English]
39. CARE International. Vows of Poverty: 26 Countries Where Child Marriage Eclipses Girls' Education; 2015. p.15. [English]